

«ایران» از مدل‌سازی اغتشاشات در استان‌های سیستان و بلوچستان و کردستان گزارش می‌دهد

سناریوی ناکام آشوب چند وجهی

بارصد تحولات در دو استان سیستان و بلوچستان و کردستان و ایراد سخنرانی‌های تفرقه‌برانگیز توسط برخی سران مذهبی و شاخص این مناطق، می‌توان گفت که دشمنان تلاش می‌کنند سیر ناآرامی و درگیری‌ها در این خطه را به فاز پیچیده‌تری وارد کنند. آنچه پیش از همه در این دو استان خودنمایی می‌کند، غلبه فاز مسلحانه بر نوع آشوب‌ها و برنامه‌ریزی عملیات روانی در این مناطق است؛ موضوعی که با حمایت غرب و دولت‌های متخاصم همراه بوده و برداخل کشور نیز سایه انداخته است.

در این میان امریکا نیز بی‌برده از حمایت و تسلیح تروریست‌ها خبر می‌دهد؛ جان بولتون، اخیراً در گفت‌وگو با شبکه بی‌بی‌سی انگلیس فاش کرد که «معترضین در این دو استان به‌خوبی مسلح شده‌اند و آماده تغییر فاز هستند. من تصاویر و مستنداتی دارم که نیروهای کرد و بلوچ، در (کردستان) عراق و پاکستان در حال آموزش دیدن هستند.»

از طرفی کشف و ضبط محموله مهمات جنگی در مرزها بویژه مرز این دو استان به‌طور مستمر، گویای توطئه برنامه‌ریزی‌ها برای تداوم و به جریان انداختن عملیات مسلحانه در این دو منطقه به‌طور خاص و در کل کشور است.

با تمام مستنداتتی که به‌عینه وجود دارد اصرار بر تیره‌تر ریست‌ها و جنایتکاران با کلیدواژه معترض یک اصل را اثبات می‌کند و اینکه منازعات کف خیابان در بطن خود از خوراک بیگانگان تغذیه می‌کند. برخی افراد شاخص در سیستان و بلوچستان سعی می‌کنند با مرثیه‌سازی از آنچه رخ داده است توجهات را به خود متمرکز و از آن برای ابزار چانه‌زنی با نظام و فشار سیاسی برای گرفتن خواسته‌های سیاسی خود سوءاستفاده کنند.

■ **شکاف قومی**

یکی از اصولی که موجب همزیستی و زندگی مسالمت‌آمیز در کشور و بویژه دو استان مورد بحث شده، تلاش‌های مردم این بخش برای رفع گسل قومی و مذهبی و پرهیز از افراطی‌گرایی است، اما در خلال آشوب‌ها، تفرقه‌اندازی به یک موتور محرک برای شکل‌گیری و تداوم ناآرامی‌ها و اغتشاشات تبدیل شده است. به معنایی دیگر، اتاق فکر معاندین تمام وجوه اختلاف‌برانگیز را فعال کرده‌اند که هر طیف را به تناسب آن و با انگیزه‌های متفاوت وارد میدان کنند.

در این میان، شعله این نفاق گاه در سخنان سرشناسان این مناطق نیز جاری می‌شود و در بیانیه‌ها و اظهارات آنها به روشنی می‌توان رگه‌های ایجاد اختلافات مذهبی و قومی را مشاهده کرد. آنها با بازخوانی حوادث گذشته بر اهل سنت و با مجهول و نامعلوم خواندن عاملان به‌طور غیرمستقیم بر طبل ثبات آشوب‌ها و اختلافات می‌کوبند و با لحنی تلویحی وقایع اخیر را در امتداد آن اتفاقات داخلی را روشن و سیر اتهام‌زنی به نظام را ادامه می‌دهند.

در حالی که در استان سیستان و بلوچستان



مردم منطقه می‌کشاند. به معنایی دیگر بر اساس این توطئه، صحنه درگیری در خیابان‌ها به صحنه صف‌آرایی «مردم علیه مردم» تبدیل خواهد شد. چند وجهی کردن آشوب‌ها سناریویی است تا از دستاورد آن، هم هزینه‌های بازگشت به ثبات برای نظام افزایش یابد و هم تحکرات تروریست‌ها و آشوبگران را تسهیل سازد.

■ **تلاش برای الگوسازی سراسری**

یکی از نکاتی که در این ناآرامی‌ها مشهود است پیوند زدن اتفاقات سیستان و بلوچستان با اتفاقات کردستان است. این مساله به‌قدری برجسته شده است، که در روز جمعه گذشته شعارهای حمایت از آشوب‌های این دو منطقه، پررنگ‌تر از شعارهای مربوط به خود این مناطق بود. نصب بیلبورد و تبلیغ شعراهایی چون کرد تنها نیست، بلوچ پشتیبان اوست و… از نمونه‌های آن است. این امر حتی در اظهارات سران شاخص آنها نیز به‌روشنی مشاهده می‌شد.

تمرکز برخی سران مذهبی به همسو شدن با رسانه‌های ضدانقلاب که سعی

رسانه‌های صهیونیستی درباره از هم گسیختگی اجتماعی با روی کار آمدن جریان راست افراطی در رژیم صهیونیستی هشدار دادند

پیش به سوی جنگ داخلی در سرزمین‌های اشغالی

رژیم صهیونیستی برای چهارمین بار ظرف ۵ سال گذشته انتخاباتی را برای تعیین کابینه در فلسطین اشغالی برگزار کرد. فضای جامعه اسرائیل آنچنان در بحران‌های متعدد فرو رفته‌است که سرنوشته‌هر کابینه‌ای با روی کار آمدن به قوام نمی‌رسد. عدم پایداری و ثبات در فضای سیاسی و نبود راه‌برون‌رفت از شرایط امروزه ثابت می‌کند که این کابینه‌نیز همانند کابینه‌های دوره‌های پیشین به انحلال در سرنوشته خود دچار خواهد شد و هیچ تضمینی برای دوام آن وجود ندارد. اما وضعیت بحرانی داخلی این رژیم در عرصه سیاست متوقف نمی‌شود و رژیم صهیونیستی دچار معضلات عدیده امنیتی، سیاسی، اقتصادی واجتماعی در درون خوداست.

■ **تشدید بحران‌های درونی با روی کار آمدن نتانیاهو**

یکی از بحران‌های موجود و مهم، بحران جمعیت در اراضی اشغالی است که تحت تأثیر مهاجرت معکوس، کاهش آمار مهاجرت، تراکم نامتوازن جمعیت، زیست فلسطینیان حتی اعراب اسرائیلی و فقدان جامعه‌ای واحد رو به زوال رفته و در آینده تهدیدی جدی را برای این رژیم رقم خواهد زد.

نفتالی بنت و به‌دنبال آن لاپید در ایام نزدیک به انتخابات و به منظور به حاشیه راندن افکار عمومی از بحران‌های موجود، سعی کردند با اعمال خشونت هر چه بیشتر در خاک فلسطین اشغالی و حتی حملات پیاپی به همسایگان خود، سرویوش بر بحران‌ها بسازند.

بعضی ناظران بین‌المللی نیز اقدامات تهاجمی رژیم صهیونیستی و تلاش‌های امریکا بویژه حمله و یورش به خاک سوریه را به‌منظور تضعیف محورمقاومت، نشانه‌ای دیگر برای از هم‌گسیختگی تصمیمات داخلی و عدم نبود راه‌برون‌رفت از چالش‌های امنیتی درونی آن و در نهایت افول اسرائیل در منطقه می‌دانند.

حال بعد از پیروزی جناح راست نتانیاهو در انتخابات کنست رژیم صهیونیستی، کارشناسان بر این باورند که سیاست‌های اجرایی این رژیم حالت تهاجمی‌تری در داخل و در خارج به‌خود خواهد گرفت و آن را به‌مثابه زنگ خطری برای بقای رژیم برشمردند.

یکی از عوامل مخاطره‌آمیز که در ترکیب جمعیتی برای رژیم وجود دارد اعراب اسرائیلی است که به‌نوعی در همزیستی با یهودیان بسر می‌برند و کارشناسان در برخورد و نوع تعامل دولت جدید با آنها

نیاید با برجسب زدن آنها به عنوان ستون پنجم پیش‌فرض را طی کند.

به‌طور کلی، این روزنامه برای مواجهه با این چالش‌ها به دولت جدید هشدار می‌دهد که اگر در برخورد با آنها از روش افراط‌گرایانه استفاده کند و به آنها فشار وارد کند، مسیر پیوستن آنها را به سایر فلسطینیان تسهیل کرده و آنها را تهدیدی بالفعل علیه خود خواهد کرد.

علاوه بر آن سعی می‌کند با رویکردی صنعتی، آنها را در بازی پذیرش در ساختار اجتماعی و سیاسی جدید باز تعریف کند تا حفظ کرده‌اند. وضعیت بحرانی اشغالی موجود در جامعه یهودی و شکست تلاش‌ها برای همراهی کامل اعراب اسرائیلی برای همزیستی با یهودیان، باعث شده تا صهیونیست‌ها بیش از پیش خطر جنگ داخلی را احساس کنند.

پیش‌تر نیز همین مسأله موجب شد تا مؤسسه مطالعات امنیت داخلی رژیم صهیونیستی تا حد ممکن رژیم را از تحریک فلسطینیان در اراضی ۱۹۴۸ برحذر دارد. با توجه به فضای ملتهبی که فلسطین اشغالی در مرحله بعد از نبرد شمشیر قدس از سر می‌گذراند، صهیونیست‌ها اعتراف می‌کنند که تقابل با آنها بسیار محتمل است و هرگونه تنش در این سرزمین‌ها می‌تواند سایر جبهه‌های جنگ علیه اسرائیل را بویژه در جبهه نوار غزه شعله‌ور کند.

گزارش این مؤسسه در سال ۲۰۲۱ تحولات اراضی اشغالی را مرتبط با اعراب اسرائیلی که رژیم تلاش کرده آنها را در الفبای شهروند قرار دهد مطرح کرده و در آن به خطر پیوستن آنها به سایر فلسطینیان و قرار گرفتن در مقابل رژیم اشاره شده است.

اکنون با روی کار آمدن نتانیاهو و مدعی افراطی او، نگرانی‌های کارشناسان در داخل رژیم، بویژه در طیف چپ‌گرا و مخالف صهیونیست مذهبی از رفتارهای آپارتایدگونه و نژادپرستانه با اعراب اسرائیلی یا احزاب عربی بیشتر شده است. برآیند شرایط

پیش‌رود در سرزمین‌های اشغالی خطر بالقوه جنگ داخلی را قوت بخشیده است. از یک سو تداوم و تشدید برخورد سرکوبگرایانه علیه فلسطینیان و از سوی دیگر زمینه تقابل با رژیم صهیونیستی می‌زاید جنگ را برای

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

رسمیت‌بخشی به تعرضات و آشوب‌ها صورت می‌گیرد تا بتوان طوایف را از این طریق به دور حلقه‌ای به نام مذهب جمع نموده و به تلاش برای بی‌ثباتی با پرچم عقاید تداوم بخشید.

مشهود است که معاندین با نفوذ در گروه‌های مردمی و سردادن شعارهای هنجارشکنانه و بسط دادن آن به شهرهای دیگر، سعی در تقویت روحیه آشوبگران و تحریف خواسته‌ها به سطح صفر رسیده که به مثابه زنگ خطری برای جریان‌های خارج‌نشین و ضدانقلاب است و آنها را به تکاپو برای تصویرسازی و تأسی به تشدید تحکرات و آشوب‌ها در این دو منطقه انداخته است.

این تکاپو در خوزستان، نمود روشنی

داشت و ضدانقلاب و تجزیه‌طلبان، سعی داشتند مدل چندوجهی آشوب را در این بخش نیز پیاده‌سازی کنند که البته با نقش آفرینی هوشمندانه برخی شیخگان و مردم، این توطئه خنثی شد و راهی از پیش نبرد.

علاوه بر آن، تلاش برای برهم زدن

امنیت در برخی استان‌های مرزی کشور که مدخل ورود تروریست‌ها است به‌منظور بسترسازی تسلیح آنها برای تداوم آشوبگری و ورود به فاز حرفه‌ای‌تر صورت می‌گیرد. بنابراین حفظ خط آشوب و ناآرامی در این دو منطقه از اهداف اصلی معاندین و ضدانقلاب بوده است.

با وجود این، حمایت سران شاخص از آشوبگران با کلیدواژه اعتراض‌کنندگان

و متهم ساختن مطلق نیروهای امنیتی در حوادث، به حمایت از تروریست‌ها و تجزیه‌طلبان که توسط امریکا و به روشنی حمایت مادی و معنوی می‌شوند تعبیر می‌شود، زیرا جنایات صورت گرفته توسط تروریست‌ها در غرب کشور، توسط آنها صورت می‌گیرد (به اعتراف عبدالله مهندی یکی از سرکرده‌های گروهک تروریستی کومله).

■ **سخن پایانی**

استفاده از نمادهای دینی برای

تحلیل‌گران داخلی رژیم ترسیم می‌کند. از

نظر کارشناسان صهیونیست، تداوم سیاست

سرکوبگرایانه یکی از عوامل شعله‌ور شدن

تنش در اراضی ۱۹۴۸ است، بخصوص اگر

این سیاست در دوره بنیامین نتانیاهو با

شدت بیشتری دنبال شود.

زنگ خطری که برای رژیم وجود

دارد این است که آنچه اسرائیل در مورد

هویت وجودی اعراب اسرائیلی گمان

می‌دارد چندان منطبق بر واقع نبوده و

اعراب اسرائیلی حال با همزیستی در کنار

صهیونیست‌ها و یهودیان فرهنگ خود را

حفظ کرده‌اند. وضعیت بحرانی داخلی

رژیم از یک سو و مبارزات فرآینده نیروهای

مردمی مقاومت از سوی دیگر میدان عمل

را برای بروز واقعیت در ظاهر انکار شده در

مورد اعراب اسرائیل مهیا کرده است زیرا

بخشی از آنها در یک جبر پذیرش ناآوارگی،

محتوم به پذیرش هویت اعراب اسرائیلی

شدند.

■ **عدم اقبال به طرح‌های فریبنده**

از طرفی در یک سال اخیر نبرد سیف‌القدس و موشک‌باران فرآینده بر مناطق صهیونیست‌نشین گویای این نکته بود که عملیات‌های گروه‌های مقاومت از دو بعد نظامی و پشتیبانی مردمی وارد فاز حرفه‌ای‌تری شده است. از طرفی داشتن اتاق فکری واحد و هم‌افزایی گروه‌های مقاومت به‌رغم تبلیغات مسموم‌کننده بر ایجاد اختلاف جدی میان آنها خصوصاً حماس و عملیات‌های موفقیت‌آمیز آنها را در میان حامیان اصلی آنها یعنی فلسطینیان نشان می‌دهد. عنصری که به‌طور وافر هر گونه تلاش برای بقای درونی رژیم را متلاشی می‌کند.

فارغ از مدل جدید عملیاتی و تسلیح گروه‌های مقاومت در سرزمین‌های اشغالی، در بستر تداوم درگیری‌ها، شکل‌گیری گروه‌های جدیدی از مقاومت مانند بیشه شیران و عملیات‌های موفقیت‌آمیز ساکن نشان از اهتمام جدی فلسطینیان ساکن سرزمین‌های اشغالی بر پیروزی علیه رژیم است. از این رو در تحولات عملیاتی داخلی علیه رژیم، نقش پررنگ مردم این خطه و حتی اعراب اسرائیلی برخلاف تصور که

رژیم برای غلبه روانی بر آنها دارد موجب

نگرانی جدی رژیم شده است.

رژیم برای کسب مشروعیت و موجودیت خود در جهان و بخصوص در منطقه

متوسل به فضاهایی با ادبیات دوستانه

برای آنها شده و با تصویرسازی فریبنده و

دروغین سعی می‌کند که بر جنایات خود

سرویوش گذاشته و به خود اعتبار بخشد.

این موضوع در مورد ساکنین سرزمین‌های

اشغالی و بخصوص اعراب اسرائیلی به‌طور

خده‌آمیزی با وعده‌های اجتماعی و حتی

سیاسی و با شعار همزیستی مسالمت‌آمیز

همراه بوده تا آنها را در این بازی خلع سلاح

کند. اما آنچه در سطح بین‌الملل در حال

وقوع است واقعیتی انکارناپذیر برای رژیم

به‌وجود آورده که کشورهای منطقه حتی

آنها که روابط خود با رژیم را عادی‌سازی

کرده‌اند اینک در راستای سیاست‌های آن

گام برنمی‌دارند. رأی مثبت امارت، بحرین،

مراکش و حتی اوکراین به قطعنامه ضد

اسرائیلی سازمان ملل شاهدی بر این امر

است و عرصه را برای این رژیم تنگ‌تر

خواهد کرد.

همچنین طرح‌های مختلف داخلی که با

پوسته غیرمسلحانه و برای سازش‌پذیر کردن

فلسطینیان مانند طرح دو دولتی ایجاد

می‌شود، دیگر در سرزمین‌های اشغالی مورد

پذیرش نیست.

از این رو رژیم صهیونیستی با شکست

مهمی در پر کردن خلأ جلب توجه

فلسطینیان مواجه شده است. کارکردهای

مختلف ادعاهای حمایتی از آنها بر خلاف

عمل آنها بوده و از این رو دیگر برای آنها

رنگ و لعابی ندارد. از این رو تبدیل اعراب

ساکن سرزمین‌های اشغالی به شهروند

دست‌چندم در اسرائیل برای همراه کردن

آنها در هدف غایی رژیم، تلاشی بیپوده بوده

و نتیجه‌ای در بر نداشته است.مسأله عدم

بقا برای رژیم به یک تهدید کلیدی تبدیل

شده که مؤلفه‌های زیادی برای آن وجود

دارد که در بستر زمان به‌طور فرآینده‌ای

در حال رشد است. در همین راستا در ماه

گذشته یکی از تحلیل‌گران مسائل سیاسی

در شبکه ۱۲ عبری بیان داشت که یک‌سوم

شهرک‌نشینان باور ندارند که اسرائیل پس از

۲۵ سال وجود داشته باشد.